

## بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۶/۰۲/۱۹

نقد و بررسی آیات استدلال شده بر عدالت تمام صحابه (۱۲) - بغض، سب و لعن امیرالمؤمنین توسط صحابه!  
(۷)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة  
على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

ما در جلسات گذشته، در رابطه با کلام «ابن تیمیه» که می‌گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونه»

بسیاری از صحابه و تابعین بغض علی را در دل داشتند، ایشان را سب می‌کردند و با علی بن ابی طالب  
قتال می‌کردند.

منهاج السنة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ۱۴۰۶،

الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۳۷

حدود ۱۷ سؤال مطرح کردیم و به عنوان نمونه عرض کردیم نبی مکرم فرمودند:

«ولا تسبوا علیا فإن من سب علیا فقد سبني ومن سبني فقد سب الله»

تاریخ مدینة دمشق، اسم المؤلف: أبی القاسم علی بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعی، دار

النشر: دار الفكر - بیروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین أبی سعید عمر بن غرامة العمری، ج ۱۴، ص

۱۳۲، ح ۱۵۶۶

ما حکم سب نبی (صلی الله علیه و آله) را مطرح کردیم. روایات متعددی در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» و دیگر کتب اهل سنت داریم مبنی بر اینکه:

«سمعت رسول الله يقول من سب عليا فقد سبني ومن سبني فقد سب الله تعالى»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۳۰، ح ۴۶۱۶

این روایت علاوه بر این کتاب در کتب دیگری از جمله «تاریخ دمشق» و «جامع الأحادیث» اثر «سیوطی»، «الشریعه» اثر «أجری» و «مناقب علی بن أبی طالب» اثر «ابن مردویه» هم وارد شده است. و خود «ابن تیمیه» هم می نویسد:

«محذور سب الله اغلظ من محذور الكفر به»

گناه کسی که به خداوند ناسزا بگوید، غلیظتر از گناه کسی است که کافر به خدا باشد.

الصارم المسلول علی شاتم الرسول، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی، دار النشر: دار ابن حزم - بیروت - ۱۴۱۷، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد الله عمر الحلوانی، محمد كبير أحمد شودی، ج ۳، ص ۱۰۳۴

بحث اول ما پیرامون این سؤال است:

«فرضا بأن عليا لم يكن اماما و خليفة فهل يكون صحابيا أم لا؛ ما هو حكم سب الصحابة في السنة»

در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است که میان «عبدالرحمن بن عوف» و «خالد بن ولید» نزاعی صورت گرفت و آن‌ها به همدیگر ناسزا گفتند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) خطاب به آن دو نفر فرمودند:

«لَا تَسُبُّوا أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِي فَإِنْ أَحَدَكُمْ لَوْ أَنْفَقَ مِثْلَ أُحُدٍ ذَهَبًا مَا أَدْرَكَ مُدًّا أَحَدِهِمْ وَلَا نَصِيفَةً»

به هیچ یک از اصحاب من ناسزا نگوئید، زیرا اگر هرکدام از شما به اندازه کوه احد طلا بدهد نمی‌تواند به اندازه فضیلت یک صحابه یا نصف آن هم برسد.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ١٩٦٧، ح ٢٥٤١

پرسش:

کدام یک از این دو نفر جزو صحابه بودند؟!

پاسخ:

هر دو جزو اصحاب هستند؛ هم «عبدالرحمن بن عوف» صحابه است و هم «خالد بن ولید» صحابه است.

پرسش:

پس چرا پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) این چنین می‌فرمایند، درحالی که هر دو صحابه هستند؟!

پاسخ:

شارحین معتقدند که این روایت خطاب به آینده است. آیندگان نباید به صحابه فحش بدهند، اشکالی ندارد که

صحابه به هم فحش بدهند!! اگر قرار باشد خداوند گناه صحابه را ببخشد، ناسزا گفتن آنها را هم می‌بخشد!!

همچنین در کتاب «فضائل الصحابة» اثر «احمد بن حنبل» وارد شده است که می‌گوید:

«من سب أصحابي فعليه لعنة الله والملائكة والناس أجمعين»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت

- ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج ۱، ص ۵۲، ح ۴

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«لعن الله من سب أصحابي»

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار

الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۲۱

«هیثمی» در نهایت می‌گوید: روایت صحیح است. همچنین در کتاب «السنة» اثر «ابن ابی عاصم» وارد شده است:

«من سب أصحابي فعليه لعنة الله»

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبی عاصم الضحاک الشیبانی، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

۱۴۰۰، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد ناصر الدين الألبانی، ج ۲، ص ۴۸۳، ح ۱۰۱

این بحث اول و سؤال اول ما هست که نیاز هست آقایان به ما جواب بدهند.

بحث دوم ما پیرامون این سؤال است:

«فرضنا بأن عليا لم يكن إماما و خليفة و لا صحابيا؛ فهل يكون مسلماً أم لا»

تصور می‌کنیم که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) نه امام هستند، نه خلیفه و نه صحابی؛ آیا ایشان مسلمان هستند، یا خیر؟!

شما ببینید در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید:

## «سَبَابِ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨١، ح ٦٤

در کتاب «صحيح بخارى» حديث ٤٨ هست. همچنين آقاى «لالكائى» در كتاب «اعتقاد أهل السنة و الجماعة»

تعبيرى آورده است كه تعبير بسيار تندى است. او مى گويد:

«أن المسلم إذا سب المسلم وقذفه فقد كذب والكذاب فاسق فيزول عنه اسم الإيمان وباستحلاله قتاله

يصير كافرا»

شرح أصول اعتقاد أهل السنة و الجماعة من الكتاب و السنة و إجماع الصحابة، اسم المؤلف: هبة الله بن

الحسن بن منصور اللالكائى أبو القاسم، دار النشر: دار طيبة - الرياض - ١٤٠٢، تحقيق: د. أحمد سعد

حمدان، ج ٦، ص ١٠٢٣

اين بيان، تكليف كسانى را هم كه با اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) قتال كردند روشن مي كند.

خود «ابن تيميه» به صراحت مى گويد:

«وينفرد سب المسلم يانه يدل على زندقته»

هركسى به مسلمانى ناسزا بگويد، از ايمان خارج شده است.

الصارم المسلول على شاتم الرسول، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحرانى، دار النشر: دار

ابن حزم - بيروت - ١٤١٧، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد الله عمر الحلوانى، محمد كبير أحمد

شودرى، ج ٣، ص ٥٦٥، باب المسالة الثالثة

نکته دیگر این است که ما مشاهده می‌کنیم: «قد ثبت بأنّ عدة من بنى أمية من أجداد ابن تيمية يسبون عليا بعض ما مضى شهيدا»

یعنی دودمان نحس بنی امیه نه تنها به امیرالمؤمنین در زمان حیات ایشان ناسزا می‌گفتند بلکه بعد از شهادت ایشان نیز ناسزا ادامه داشت. ما روایات متعددی داریم، از جمله اینکه در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است:

«قال النبي لا تسبوا الأموات فإنه قد أفضوا إلى ما قَدّموا»

به مردگان فحش ندهید.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٤٧٠، ح ٢٥٥٠٩

همچنین در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» روایتی از «مغیره بن شعبه» وارد شده است:

«نهى رسول الله عن سبّ الأموات»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، ج ٤، ص ٢٥٢، ح ١٨٢٣٣

در مورد سند این روایت وارد شده است:

«إسناده صحيح على شرط مسلم»

المستدرک علی الصحیحین، ج ۱، ص ۳۸۵، الحاکم النیسابوری، ابو عبدالله محمد بن عبدالله  
(متوفای ۴۰۵ هـ)، تحقیق: یوسف عبد الرحمن المرعشلی، دار المعرفة، بیروت.

همچنین در کتاب «مسند بغیة الباحث» اثر «هیثمی» روایتی وارد شده است:

«بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ يَسِيرُ إِذْ أَشْرَفَ لَهُ قَبْرُ رَجُلٍ قَدْ سَمَّاهُ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ لَعَنَ اللَّهُ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فَإِنَّهُ كَانَ  
عَدُوًّا لِلَّهِ قَالَ وَإِنَّهُ يَسِيرُ مَعَ النَّبِيِّ فَقَالَ لَهُ بَلْ لَعَنَ اللَّهُ أَبَا قُحَافَةَ فَوَاللَّهِ مَا كَانَ يَقْرِي الضَّيْفَ وَلَا يَقَابِلُ  
الْعَدُوَّ»

ابوبکر از کنار قبری می‌گذشت که به صاحب آن قبر لعنت فرستاد و گفت: او دشمن خدا بود. پسر  
صاحب قبر هم به «ابا قحافه» لعنت فرستادند و گفت: به خدا سوگند او از مهمان پذیرایی نمی‌کرد و در  
برابر هجوم دشمن مقاومت نمی‌کرد.

سپس می‌نویسد:

«فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لَا تَسُبُّوا الْأَمْوَاتَ فَتُؤْذُوا الْأَحْيَاءَ»

پیغمبر فرمودند: اموات را سب نکنید، زیرا باعث رنجش خاطر بازماندگان‌شان خواهد شد.

بغیة الباحث عن زوائد مسند الحارث، اسم المؤلف: الحارث بن أبي أسامة / الحافظ نور الدين الهيثمي،  
دار النشر: مركز خدمة السنة والسيره النبوية - المدينة المنورة - ۱۴۱۳ - ۱۹۹۲، الطبعة: الأولى، تحقیق:  
د. حسین أحمد صالح الباکری، ج ۲، ص ۸۳۲، ح ۸۷۴

همچنین در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» وارد شده است که رسول الله (صلی الله علیه و آله) فرمودند:

«لا تؤذوا مسلماً بشتماً کافر»

یعنی حتی نسبت به شتم و سب کافر، نهی وارد شده است. در مورد سند روایت هم می نویسد:

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار  
الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۱، ص  
۵۴۲، ح ۱۴۲۰

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«اذكروا محاسن موتاكم وكفوا عن مساويهم»

در ذکر اموات خوبی های آنان را بگوئید و بدی هایشان را کنار بگذارید.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار  
الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۱، ص  
۵۴۲، ح ۱۴۲۱

روایت دیگری از «مغیره» در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد ۴ وارد شده است که می گوید:

«نَالَ الْمُغِيرَةُ بْنُ شُعْبَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَقَالَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمٍ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَنْهَى عَنْ سَبِّ الْمُؤْتَى  
فَلِمَ تَسُبُّ عَلِيًّا وَقَدْ مَاتَ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة  
- مصر، ج ۴، ص ۳۶۹، ح ۱۹۳۰۷

همچنین در روایت دیگری از این کتاب وارد شده است:



«سَبَّ أَمِيرٍ مِنَ الْأَمْرَاءِ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَامَ زَيْدُ بْنُ أَرْقَمَ فَقَالَ أَمَا إِنْ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَهَى عَنِ

سَبِّ الْمُؤْتَى فَلِمَ تَسُبُّ عَلِيًّا وَقَدْ مَاتَ»

در این روایت اسم مغیره بن شعبه را هم حذف کردند!

در مورد سند این روایت وارد شده است:

«صحيح و هذا إسناد ضعيف»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- مصر، ج ۴، ص ۳۷۱، ح ۱۹۳۳۴

حال ما نمی دانیم چطور امکان دارد سند ضعیف باشد، اما روایت صحیح باشد!!

این روایت در واقع می خواهد بگوید اگر شما در زمان حیات امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم با او جنگ و  
مخاصمه داشتید، و به ایشان ناسزا می گفتید؛ الان بعد از اینکه او از دنیا رفته است نباید به او ناسزا بگویید.

بعضی از شارحین در ذیل این روایت می نویسند: این روایت دلیل بر این نیست که سب امیرالمؤمنین (سلام الله  
علیه) در زمان حیاتشان جایز است، بلکه می خواهد بگوید حال که امیرالمؤمنین از دنیا رفته است و توان دفاع  
هم ندارد نباید به ایشان ناسزا بگویید.

این افراد در زمان حیات امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به ایشان ناسزا گفتند تا عداوتشان را به آن حضرت ثابت  
کنند. حال که امیرالمؤمنین از دنیا رفته است برای چه به او ناسزا می گویند؟! در این زمینه تعبیر زیادی وجود  
دارد.

پرسش:

آیا در کتب ما هم چنین روایاتی وجود دارد که صحیح باشد، اما سند آن ضعیف باشد؟!

**پاسخ:**

نه؛ ما مبنایی در رجال داریم که آیا در حدیث، وثاقت روات ملاک است، یا صحت صدور ملاک است؟! غالب فقهای ما بر این عقیده هستند که وثاقت روات برای ما ملاک است، نه صحت صدور!! چون ما علم غیب نداریم که ببینیم این روایت از امام صادر شده است، یا نه.

مخصوصاً که این کتابهای شیعه در قرن چهارم یا پنجم تدوین شده است. با این فاصله‌ای که ما داریم نمی‌توانیم تشخیص بدهیم. بعضی از آقایان از جمله آقای «خوئی» اصرار دارد بر اینکه ملاک صحت صدور است و وثاقت روات طریق برای صحت صدور است. این مبحث، بحث جدایی است.

اما در این‌طور موارد قصد نویسندگان این است که بگویند سند ضعیف است، اما با توجه به اینکه روایت در جاهای دیگر با سند صحیح آمده است، روایت صحیح است. یعنی روایت بنفسه صحیح است، زیرا با سندهای صحیح آمده است. گرچه این روایت ضعیف باشد!!

**پرسش:**

در مورد روایت کتاب «صحیح بخاری» می‌توانم بگویم که روایت ضعیف‌السند است، اما از این جهت که صادر شده صحیح است؟!

**پاسخ:**

صادر شدن روایت ملاک نیست، بلکه باید ببینیم روایتی که در کتاب «صحیح بخاری» با سند ضعیف آمده است در کتاب «صحیح مسلم»، «مسند أحمد بن حنبل» و دیگر کتب با سند صحیح آمده است، یا نه؟!

اگر روایت با سند صحیح آمده باشد روایت صحیح است، ولو اینکه سند اینجا ضعیف است. به عبارت دیگر عَلِمْنَا بِأَنَّهُ صَدْرَتْ عَنِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله و سلم).

### پرسش:

البته به سند کتاب «صحیح بخاری» خدشه وارد نمی‌کنند.

### پاسخ:

این‌طور نیست، حتی خودشان ادعا کردند که ۱۷ مورد از روایات کتاب «صحیح بخاری» به طور قطع از رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) صادر نشده است و دروغ است!! بعضی‌ها حتی ادعا کردند حدود ۱۸۰ روایت از کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» لَمْ يَصْدُرْ عَنِ النَّبِيِّ (صلی الله علیه و آله و سلم)!!

مثل ماجرای «ابوسفیان» که نزد پیغمبر اکرم می‌آید و سه تقاضا از ایشان دارد؛ تقاضای اول اینکه دخترش «أم حبیبه» را به عقد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) در بیاورد در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است. همه گفتند که این روایت اصلاً دروغ است، زیرا «ابوسفیان» در سال هشتم هجری مسلمان شده است، اما «أم حبیبه» سال ششم هجری به عقد پیغمبر اکرم درآمده است.

بعضی از شارحین در مورد این روایت حیران ماندند و ادعا کردند که «ابوسفیان» از پیغمبر اکرم درخواست کرده که عقد جدیدی بخواند. حالا ما نمی‌دانیم دلیل این کار چیست که وقتی شخصی دو سال با خانمی زندگی می‌کند دومرتبه عقد جدید بخواند. خیلیها می‌گویند این روایت از پیغمبر اکرم صادر نشده است.

همچنین روایت دیگری در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است که به پیغمبر اکرم امر شد که «معاویه» را به عنوان کاتب وحی معین کن؛ از این دست روایات است.

همچنین در مورد آیه شریفه:

## (إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سَبْعَةِ أَيَّامٍ)

سوره اعراف (۷)؛ آیه ۵۴

در کتاب «صحیح مسلم» آمده است «**في سبعة أيام!**»!

همه گفتند که این روایت قطعاً از پیغمبر صادر نشده است، زیرا مخالف قرآن کریم است. این طور روایاتی که اهل سنت خودشان اشاره به نادرست بودن آن دارند در کتب صحیحین زیاد اشاره شده است.

قضیه ازدواج پیغمبر اکرم با «أم حبیبه» که در حبشه بود و همسرش در آنجا از دنیا رفت و پیغمبر اکرم از خود پادشاه حبشه خواستگاری کرد. چون مسلمانها پناهنده شده بودند به حبشه. پادشاه حبشه هم مهریه «أم حبیبه» را شخصاً پرداخت کرد.

خواست خداوند متعال این است که بنی امیه را رسوا کند، به همین خاطر دو سال قبل برنامه را طوری فراهم کرد که «ابوسفیان» و دودمان بنی امیه و «مسلم» و «بخاری» را رسوا کنند، اما خوب بعضی افراد اصلاً از رو نمی‌روند.

**پرسش:**

اهل سنت در تعریف عدالت چیزی می‌گویند و زمانی که عدالت صحابه را مشاهده می‌کنند چیز دیگری می‌گویند. در مفهوم عدالت در صحابه می‌گویند عدالتی که موجب اعتبار به روایت راوی است تنها به یک چیز اطلاق می‌شود که آن هم دوری از کذب به رسول خدا است.

**پاسخ:**

این تعریف هم قرائتی از عدالت است. ما اقوال مختلف در مسئله عدالت صحابه را در دو جلسه مطرح کردیم و تمام اقوال در عدالت صحابه را بیان کردیم. این مطالب حرف چه کسی است؟! کدام یک از بزرگان این مطالب را بیان کردند؟!

این مطالب باید استناد شود و تنها حرف زدن را نمی‌توان ملاک قرار داد. حتی اگر این گفته را هم ملاک قرار بدهیم می‌بینیم که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر بالای منبر فرمودند:

« قَامَ حَاطِبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ كَثُرَتْ عَلَيَّ الْكُذَابَةُ فَمَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ »

الكافي (ط - الاسلاميه)؛ ج ۱، ص ۶۲، باب اختلاف الحديث، ح ۱

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«قال رسول الله: من كذب على متعمداً فليتبوأ مقعده من النار»

مسند ابن ابی شیبة، اسم المؤلف: أبی بكر عبد الله بن محمد بن أبی شیبة، دار النشر: دار الوطن - الرياض - ۱۹۹۷ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل بن يوسف العزازي و أحمد بن فريد المزیدی، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۲۸۴

ما در ابتدای کتاب «المدخل إلى علم الرجال و الدرایة» این روایت را آوردم. همچنین مواردی وجود دارد که رسول اکرم سخن بعضی از صحابه را تکذیب کرده‌اند و فرموده‌اند: "او دروغ گفته است!!" همچنین موارد متعددی وجود دارد که صحابه سخن همدیگر را تکذیب کردند و همدیگر را به دروغگویی متهم کردند. همه این موارد هم دروغ در روایت است، نه دروغ در گفتار!! یعنی صحابه مطلبی را از رسول اکرم نقل کردند که صحابه دیگر آن را تکذیب می‌کند.

ما سابقاً مباحثی پیرامون تکذیب صحابه نسبت به یکدیگر یا تکذیب پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نسبت به بعضی از صحابه را مطرح کردیم.

در هر صورت...

«ابن تیمیه» می گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونونه و يقاتلونونه»

بحث سوم ما در مورد «یبغضونه» است؛ ما «یسبونونه» را به طور مفصل بحث کردیم، حال در مورد «یبغضونه»

سؤال می کنیم:

«ما هو حکم بغض علی فی السنة؟!»

در کتاب «صحيح مسلم» وارد شده است:

«وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ إِنَّهُ لَعَهْدُ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ إِلَى أَنْ لَا يَجِبَنِي إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يَبْغِضَنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء

التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ١، ص ٨٦، ح ٧٨

«ابن تیمیه» که ادعا می کند:

«كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

یعنی «كثير من الصحابه من المنافقين»!

همچنین آقای «قرطبی» در کتاب «تفسیر» جلد اول صفحه ۲۶۷ می گوید:

«روى عن جماعة من الصحابة أنهم قالوا: ما كنا نعرف المنافقين على عهد رسول الله إلا ببغضهم لعلی  
عليه السلام»

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب  
- القاهرة، ج ١، ص ٢٦٧، باب البقرة: (٣٠) وإذ قال ربك... ..

این روایت متواتر است. زمانی که دشمنان در برابر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در زمان رسول گرامی اسلام  
(صلی الله علیه و آله) چنین باشند، پس از وفات آن بزرگوار هم این قضیه به طریق اولی ثابت است.  
این روایت علاوه بر این کتاب، در کتاب «روح المعانی» هم وارد شده است. همچنین آقای «طبرانی» هم در  
کتاب خود این روایت را چنین نقل می‌کند:

«وَمَنْ مَاتَ وَهُوَ يَبْغُضُكَ يَا عَلِيُّ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء -  
الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي؛ ج ١٢، ص ٤٢٠؛ ح  
١٣٥٤٩

همچنین در روایت دیگری وارد شده است:

«عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَبِلِّ لِمَنْ أَبْغَضَكَ مِنْ بَعْدِي»

كشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، نویسنده: علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر،  
محقق / مصحح: درگاهی، حسین، ص ٣٠٢

خود «ابن تیمیه» در این خصوص می‌گوید:

«بَغْضُ بَنِي أُمَيَّةَ يُصِيبُ الْعَدَاوَةَ لِعَلِيٍّ وَيَسُتُّهُ»

مجموع الفتاوى، المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفى: ۷۲۸ هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية، ج ۴، ص ۴۸۸

همچنین در کتاب «معجم الكبير» اثر «طبرانی» وارد شده است:

«أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِعَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مُجِبُّكَ مُجِيبِي وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي»

رسول الله به حضرت امیرالمؤمنین فرمودند: کسانی که تو را دوست دارند مرا دوست دارند و کسانی که بغض تو را در دل دارند بغض مرا در دل دارند.

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ۶، ص ۲۳۹، ح ۶۰۹۷

ما سؤال می کنیم حکم بغض النبی چیست؟! بغض النبی به معنای ارتداد و کفر است و هیچ شک و ریبی هم در آن نیست. همچنین «هیثمی» و «ابن عساکر» هم این روایت را در کتب خود ذکر کرده اند.

«صالحی شامی» هم بحث مفصلی در این زمینه دارد. او در حقیقت عمده فضائل امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را در اینجا آورده است و از جمله می نویسد:

«من آذى عليا فقد آذاني... من أحب عليا فقد أحبني... ومن أبغض عليا فقد أبغضني... محبک محبی،

ومبغضک مبغضی... من فارق عليا فارقنی، ومن فارقنی فارق الله»



سبل الهدى والرشاد فى سيرة خير العباد، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الصالحى الشامى، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۴ هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد  
معوض، ج ۱۱، ص ۲۹۳ - ۲۹۴، الباب العاشر

بحث چهارم ما در مورد این است که آقای ابن اثیر (البته نه ابن اثیر جزری صاحب الكامل فى التاريخ که متوفى  
۶۳۰ هست) بلکه «ابن اثیر ابو السعادات» متوفای ۶۰۶ هجرى در کتاب «جامع الأصول» جلد ۸ صفحه ۶۵۶  
می نویسد:

«إِنْ كُنَّا لَتَعْرِفُ الْمَنَافِقِينَ - نَحْنُ مَعَاشِرُ الْأَنْصَارِ - بِيَغْضَاهُمْ عَلَى بْنِ أَبِي طَالِبٍ»

«إِنْ» در اینجا مخففه از مثقله است به دلیل لام که در خبر آن آمده است. او سپس در ادامه می گوید:

«كُنَّا نُبُورِ أَوْلَادِنَا بِحُبِّ عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ»

ما حلال زاده یا حرام زاده بودن فرزندان خود را با حب علی (رضی الله عنه) امتحان می کردیم.

جامع الأصول فى أحاديث الرسول، المؤلف: مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن  
محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: ۶۰۶ هـ)، تحقيق: عبد القادر الأرنبوط -  
التتمة تحقيق بشير عيون، الناشر: مكتبة الحلواني - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة: الأولى، ج  
۸، ص ۶۵۶، ح ۶۴۹۸

اعراب زمانی که می خواهند حلال زادگی فرزندان خود را مورد امتحان قرار بدهند، از کلمه «نبور اولادنا» استفاده  
می کنند. همچنین در کتاب «لسان العرب» جلد چهارم در ماده «بور» وارد شده است:

«كُنَّا نُبُورِ أَوْلَادِنَا بِحُبِّ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ»

لسان العرب، اسم المؤلف: محمد بن مكرم بن منظور الأفریقی المصری، دار النشر: دار صادر - بیروت،

الطبعة: الأولى، ج ۴، ص ۸۷، باب بور

این مطلب علاوه بر این کتاب در کتاب «تاج العروس» هم ذکر شده است. همچنین در کتاب «مناقب علی بن ابی طالب» اثر «ابن مردویه» متوفای ۴۱۰ هجری تعبیری بسیار واضح و روشن در این زمینه از «عبدالله بن أحمد بن حنبل»، از «احمد بن حنبل»، از «شافعی» و او هم از «مالک» ذکر شده است. یعنی روایت از نظر اهل سنت صحیحه فوق اعلائی است! و راوی آن «أنس به مالک» غلام رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) می باشد، وارد شده است:

«ما کتا نعرف الرجل لغير أبيه إلا ببغض علی ابن ابی طالب»

اگر ما می خواستیم ببینیم کدام یک از فرزندان ما از نسل پدرش نیست، مشاهده می کردیم ببینیم بغض علی بن ابی طالب را دارد یا ندارد.

مناقب علی بن ابی طالب (ع)؛ نویسنده: أحمد بن موسی ابن مردویه الأصفهانی، تحقیق: جمعه ورتبه

وقدم له: عبد الرزاق محمد حسین حرز الدین، ص ۷۶، ج ۵۷

این روایات در کتب شیعه هم فراوان وجود دارد. در کتاب «کافی» جلد دوم صفحه ۳۲۳ وارد شده است:

«إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ لَا يَتَّالِي مَا قَالَ وَلَا مَا قِيلَ لَهُ فَإِنَّهُ لِعِيَّةٍ أَوْ شَرِكِ شَيْطَانٍ»

اگر دیدید شخصی از فحش دادن و فحش شنیدن ابایی ندارد، بدانید که این شخص زنازاده است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲،

ص ۳۲۳، ج ۲

همچنین مرحوم «مجلسی» هم نسبت به کسانی که ناسزا می‌گویند و ناسزا می‌شنوند که مصداق اتم آن «ابن تیمیه» و بنی امیه هستند؛ روایتی دارد. او می‌گوید:

«إِذْ رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ لَا يَتَالَى مَا قَالَ أَوْ مَا قِيلَ فِيهِ فَإِنَّهُ لَيَغِيَةِ أَوْ شَيْطَانٌ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۷۴،

ص ۱۴۷، ح ۶۳

مرحوم «علامه امینی» در کتاب «الغدیر» تعبیری دارد که البته ما نتوانستیم این روایت را در منابع اهل سنت پیدا کنیم. او می‌گوید: بعضی از صحابه برای اینکه بدانند همسرشان در حق آنان خیانت کرده است یا نه، بچه خود را در کوچه و خیابان می‌آوردند و او را در مسیر حضرت قرار می‌دادند بدون اینکه آن بچه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را بشناسد.

زمانی که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از کنار این کودک رد می‌شد از آن کودک می‌پرسیدند: آیا این شخص را دوست داری یا نه؟! اگر کودک می‌گفت او را دوست دارم معلوم می‌شد که این کودک حلال زاده است، اما اگر می‌گفت این شخص را دوست ندارم، معلوم می‌شد که این کودک حلال زاده نیست!

«کنا نبور» همین مطلب را می‌رساند، اما اینکه او را کنار خیابان بیاورند و مشاهده کنند که امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) را دوست دارد یا دوست ندارد در منابع اهل سنت یافت نشد.

قسمت مقاتله صحابه با امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) باقی ماند که ان شاءالله هفته آینده بیان خواهیم کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته